

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

حزب کار ایران- توفان

۲۰ اگست ۲۰۱۲

به بهانه پنجاه و نهمین سالگرد کودتای ننگین ۲۸ مرداد

سعدیا! مرد نکو نام نمیرد هرگز

مردم آنست که نامش به نکونی نبرند

کودتای خانانۀ ۲۸ مرداد|اسد| و اعتراف خادمانۀ پرزیدنت بیل کلینتون

جمعه ۹ بهمن [دلو] ۱۳۸۳ – ۲۸ جنوری ۲۰۰۵

ایرنا: "بیل کلینتن" رئیس جمهور پیشین امریکا روز پنجشنبه پذیرفت که امریکا مسؤول سرنگونی دولت دکتر محمد مصدق بوده است.

کلینتن که در یکی از نشست‌های مجمع جهانی اقتصاد در داووس Davos سویس سخن می گفت ضمن مقایسه دولت آینده عراق و ایران افزود: "ایران يك نمونه كاملا متفاوت است.

کلینتن افزود: "امریکا در سال هزار و نهصد و چهل و یک فردی آزادیخواه و مردم سالار منتخب مردم آن کشور را سرنگون کرد و شاه را به حکومت باز گرداند." (کودتای ۲۸ مرداد در سال ۱۳۳۲ شمسی مطابق ۱۹۵۳ میلادی بود- توفان).

رئیس جمهور پیشین امریکا گفت: "هرچند بیان چنین مطلبی از سوی يك فرد امریکائی مناسب نیست ولی این مطلبی است که به آن اعتقاد دارم." کلینتن گفت: "سپس آیت الله خمینی، شاه را سرنگون و ما را مجبور کرد به سمت صدام برویم."

رئیس جمهور پیشین امریکا اعتراف کرد که اقدامات تجاوزکارانه صدام حسین علیه جمهوری اسلامی ایران با پشتیبانی امریکا صورت گرفته بود.

وی گفت: "بدترین اقداماتی که صدام حسین در دهه هزار و نهصد و هشتاد انجام داد با آگاهی کامل و حمایت دولت امریکا بود."

کلینتن اظهار داشت: "هنگامی که خاتمی انتخاب شد من (از سرنگون کردن دولت مصدق) عذرخواهی کردم. امیدوار بودم که بتوانم روابط حسنه‌ای با ایران داشته باشم."

البته خانم مادلین آلبرایت وزیر امور خارجه آمریکا در زمان کلینتن برای نخستین بار به طور معیوبی مسأله کودتای ۲۸ مرداد [اسد] را طرح کرد. در همان زمان در قبال کنجکاوی رسانه های گروهی جهان مدعی شد که اسناد مربوط به کودتا نابود شده اند و این است که انتشار آن مقدور نیست. البته رژیم جمهوری اسلامی نیز تمایل زیادی به رو شدن نقش آخوندها در کودتا و از جمله نقش واعظ مشهور فلسفی نداشتند.

لیکن تنها اشتباه آقای کلینتن در گفتار بالا، در بیان تاریخ آن نبود وی فراموش کرد اضافه کند که روحانیت در کودتای ۲۸ مرداد [اسد] همدست امپریالیستها بود. رهبر آنها آیت الله کاشانی که حامیانش نظیر شعبان بی مخ و طیب رضائی و چاقو کشان میدانی و نظایر آنها را برای کمک به کودتا آماده و اعزام کرده بود، خودش با شاه و زاهدی کنار آمد. این است که روحانیت هرگز از سرنگونی محمد مصدق ناراضی نبود. خمینی هنوز چهره اش از "سیلی که ملی ها به صورتش" زده بودند درد می کرد. بعد از انقلاب آنها نام خیابانی را که هواداران مذهبی مصدق به نام خیابان مصدق نامگذاری کردند به نام آیت الله کاشانی تغییر دادند. مردم ایران حاضر نشدند این نام کثیف را بپذیرند و آنقدر بر در و دیوار علیه این آیت الله انگلیسی شعار نوشتند که رژیم ناچار شد نام خیابان را به ولیعصر تغییر دهد. این است که عذر خواهی کلینتن از خاتمی نمی توانست هم مؤثر باشد.

ولی این عذر خواهی در عین حال یک تو دهنی بزرگ به دارو دسته سلطنت طلبان است که می خواهند یک دودمان بدنام و دست نشانده آمریکا را مجددا در ایران بر سر کار آورند. آنها حتی حاضر نیستند بپذیرند که امپریالیستها شاه فراری را با سرنگونی حکومت ملی دکتر مصدق بر سرکار آوردند تا قرارداد استعماری کنسرسیوم نفت را امضاء کرده، ملی شدن صنعت نفت ایران را کم لم یکن نموده و ایران را به پایگاه امپریالیست آمریکا بدل کرده و به عنوان قلدر و چماق به دست منطقه نقش ژاندارم را به عهده گرفته و مبارزات تساوی طلبانه و آزادیخواهانه منطقه را سرکوب کند. شاه قاتل خلقهای منطقه بود. سلطنت طلبان از این نقطه عطف تاریخ ایران به نام "کربلای ۲۸ مرداد" سخن می رانند تا به مضمون واقعی مسأله نپرداخته و با بی اهمیت جلوه دادن آن نقش تعیین کننده آن را در روند تحولات آتی ایران لاپوشانی کنند. آخر اگر رژیم شاه دست نشانده سازمان "سیا" بود آنوقت همدستان شاه و یاران وی که حزب رستاخیز را علم کردند و یا ساواک را تقویت نمودند و شکنجه خانه های اوین و کمیته شهربانی و لشگر دو زرهی و رکن دو ارتش و... را به وجود آوردند نمی توانستند میهن پرست بوده و عامل اجنبی در ایران نباشند. این بیچاره های همدست امپریالیست مایلند که اساسا نکات "ناخوشایند" تاریخ ایران حذف شود. نه از کودتای خائنانه ۲۸ مرداد [اسد] سخنی به میان آید و نه از انقلاب شکوهمند بهمین حرفی زده شود. برای آنها تاریخ ایران که سنت مبارزه خلق ماست و باید منبع آموزش و الهام باشد تاریخ مرده است، تاریخ مرده هاست.

حمایت از جنبش ضد استعماری مردم ایران در سالهای ۳۰ و دستاورد عظیم آن که ملی شدن صنعت نفت ایران بود چنگ انداختن به گذشته و مرده پرستی است. و نسلی که آموزگار تاریخ جهان نه تنها در خاور میانه بلکه در جهان بود، نسل مرده پرستان است. این عده مجوف و مالیخولیائی که پولهای "سیا" و "موساد" و حدتشان را برهم زده است کوچکترین پیوندی با مردم ایران ندارند. حمایت از مصدق، حمایت از دوره ای درخشان از تاریخ مبارزات مردم ایران است. کسانی که این مبارزات را به رسمیت نمی شناسند تعلق به این ملت ندارند. آنها پس از

تلاش نافرجامشان تا ۱۶ آذر [قوس] سال ۳۲ را با ۱۸ تیر [سرطان] پیوند زنند و از تأثیرات الهامبخش آن در مبارزات دانشجویی حاضر بکاهند، به یک باره جنایات شاه را در ۱۶ آذر [قوس] مسکوت گذاردند. آنها نه تنها تاریخ را مسکوت می‌گذارند از بقیه نیز می‌طلبند که فکر نکنند، عقل خود را اجاره دهند، تاریخ را مسکوت بگذارند زیرا که به وحدت با دشمنان مردم صدمه می‌زند.

آنها به مصداق این که مورچه‌ها شاه دارند، زنبورها شاه دارند پس چرا ما شاه نداشته باشیم در تلاشند که یک شکل حکومتی فرسوده و پوسیده تاریخی را که عمرش را به جمهوری داده است از گور تاریخ با یاری "سیا" و "موساد" بدر آورند و ملتی را وادار کنند که نسلهای در نسل مخارج گزاف مثنی طفیلی بی مغز را که هنرشان در برپایی عشرتکده‌های درباری است، پرداخت کنند. به اعتبار خویشاوندی خونی صرفنظر از درجه کیاست و یا سفاهتشان بر میلیونها مردم حکم برانند و به ریششان بخندند و مثنی روشنفکر خود فروخته را با صلح و درهمی در مدح پادشاهی به خدمت بگیرند تا مردم کشورشان را شست و شوی مغزی دهند و به آنها بقبولانند که ایرانی جماعت "شاهدوست" است و "نوکر صفت".

آنها می‌خواهند شاه مرده را زنده کنند و مصدق زنده را به خاک بسپارند.

محمد رضا شاه منفور با زندان و تبعید و حصر مصدق نتوانست نام بزرگ وی را به بایگانی فراموشی بسپارد. حافظه تاریخی مردم ما بیش از آن گنجایش دارد که اوباشان سلطنت طلب و خائن می‌پندارند. تمام تلاش آنها برای این که از پسر شاه، به اعتبار گروه خونی اش پادشاه ایران زمین بسازند آنقدر بی‌هوده است که دم مسیحائی نیز برای جان بخشیدن به این میت تاریخی کفایت نخواهد کرد. پادشاهی مرده را با هیچ شعبده ای نمی‌شود زنده کرد. آن که زنده است مصدق است و آن که لاشه وار جولان می‌دهد مدعی بی تاج و تخت پادشاهی ایران است که باید در دادگاه خلق برای غارت ثروت سرشار ملت ایران که هنوز از قبیل آن عیاشی می‌کند حساب پس دهد. باید حساب پس دهد که چرا ساواکیهای دوره پدرش را دور خود جمع کرده و از حمایت آنها برخوردار بوده و خط تمایزی با آنها نمی‌کشد و آنها را مفتضح و افشاء نمی‌کند و به پولیس بین الملل معرفی نمی‌کند. باید روشن کند که برخوردارش به طور مشخص به خیانتها و جنایات پدرش چیست و وی تا به چه حد حاضر است به این گذشته ننگین انتقاد کند و اموالش را در خدمت مردم قرار دهد تا دادگاه خلق وی را در ایران آزاد و دموکرات تبرئه کرده و مردم ایران بپذیرند که وی می‌تواند به مثابه یک شهروند معمولی به حساب آید. در ایران آزاد و آباد و دموکرات و شکوفان جایی برای سلطنت طلب طلبکار و دست اندرکاران رژیم وابسته و منفور گذشته نیست. این را هم اسرائیل می‌داند و هم امریکا ولی آنها مرده سلطنت طلبان را به عنوان مترسک برای دریافت امتیازات بیشتر از رژیم جمهوری اسلامی لازم دارند.

ضد انقلاب مغلوب ایران حتی جنازه اش را نیز در خدمت امپریالیسم و صهیونیسم قرار داده تا از آن حداکثر استفاده را بنمایند. باید اذعان کرد که سلطنت طلبان در نوکری بیگانه از صداقت بی همتائی برخوردارند و نمی‌توان متعصبانه این عامل وفاداری و صداقت را در آنها در نظر نگرفت و منکر آن شد.

به راستی این مردک اگر یک جو صمیمیت و صداقت دارد باید روشن کند که این اطرافیان پدرش که دزد و جنایتکار و خائن بوده و نام پدر "بی گناهِش" را به کثافت کشیده اند چه کسانی بوده اند. نام این افراد کدامست و در کجا زندگی می‌کنند و فعالیت سیاسی آنها در حال حاضر چیست. آخر تا به کی می‌شود با عوامفریبی به مردم دروغ گفت؟ آیا سرنوشت این دودمان ننگین در انقلاب شکوهمند ۲۲ بهمن به حد کافی برایشان آموزنده نبوده است؟

این فرد مرده است، مرده مرده، یک مرده متحرک و مصدق همواره زنده خواهد ماند. مرده آن است که نامش به نگوئی نبرند.

حزب کارایران (توفان)

۲۸ مرداد [اسد] ۱۳۹۱

www.toufan.org

toufan@toufan.org